

جلد اول از کتاب احوال

فرمود رسول کسی است که فرشته بروی آسکند شود و با او تکلم نماید و بنی انجی است که در خواب می چنود باشد که رست و نبوت در کتب جمع کرد و عرض کردم صلیک است چگونه میدانند آنچه را در خواب دیده است حق است و از جانب فرشته است
 قَالَ يُوَفَّقُ لِدَالِكِ حَقِّي يَعْرِفُهُ لَقَدْ حَتَمَ اللَّهُ بِكُمُ الْكِتَابَ حَتْمَ بَيْتِكُمْ الْأَيْبَاءَ فرمود از جانب خدا موفق گردان
 تا آن ملک را بشناسد یعنی بداند که فرشته را بحقیقت دیده است و آن خواب سخی است همانا خداوند تعالی بکتابی که بر او
 شافریستاد یعنی بقرآن مجید تمامت کتب آسمانی را ختم فرمود و پیغمبر شام محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله دیگر پیغمبران را
 ختم نمود یعنی قرآن را ختم کتب پیغمبر را ختم رسل گردانید و دیگر در کتاب حیوة القلوب مسطور است که بنده صحیح حضرت
 امام محمد باقر علیه اسلام مرویت که پیغمبران پنج نوع باشند بعضی صدائی بشنوند چون صدای زنجیر و مقصود وحی را
 از آن صدا باز دانند و بعضی در خواب بر ایشان وحی نازل شود چنانکه حضرت یوسف و ابراهیم علیهما السلام در خواب دیدند
 و بعضی فرشته را بگریه و بر سرخی را اندر دل منتقلش کرد و بعضی صدائی بگوششان اندر آید و ملک را شنوند معلوم باد
 که در میان علما اختلاف است در تفسیر نبی و رسول و فرق در میان این دو معنی بعضی را عقیدت چنان است که فرستاده
 مابین این دو معنی نیست و بعضی گویند فرقی میان این دو لفظ نباشد و پار بر آن رفته اند که رسول آن است که
 معجزه و کتاب آورده باشد و بنی غیر رسول آن است که بروی کتاب نازل نشده باشد و مردمان را بکتاب پیغمبر و کج
 دعوت نمایند و برخی گفته اند که رسول آنست که شرفش مانع شریعتهای گذشته باشد و بنی از آن اتم است و در احادیث
 سابقه و قرآن چنان بر می آید که رسول آنست که در هنگام نزول و القای وحی ملک را در بیداری بچسبند و با او سخن گویند
 و بنی اتم از این است پس نبی غیر رسول آن است که ملک را در هنگام وحی نچسبند بلکه در خواب چسبند یا در طلبش الهام شود
 تا صدای فرشته بگوشش اندر آید و در وقتهای دیگر غیر از وقت القای حکم ملک را بچسبند چنانکه جمعی از محققین علمای
 بر این فرق اتفاق کرده اند و در حدیث وارد است **إِنْ أَوْصِيَاءَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحَمَّدٌ تَوْفِيهِ مَلَائِكَةٌ**
 با ایشان حدیث میرانند و جبرئیل نیز در میان ایشان است بدون آنکه معاینه شوند و از این تسبیح است قول رسول
خَدَايَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّ فِي كُلِّ أُمَّةٍ مَحْدِّثِينَ مِنْ غَيْرِ نَبِيِّهِ و در وصف حضرت فاطمه صلوات الله علیها
 و در حدیث **أَبْنَاهَا الْمَحْدَّثَةُ الْعَلِيَّةُ** در مجمع البحرین مسطور است که بنی آن انسانی است که بدون واسطه
 بشر از خداوند اکبر خبر دهد اتم از ایشانند و در شریعتی باشد مثل محمد صلی الله علیه و آله یا دارای شریعتی نباشد مثل حضرت عیسی
 علیه السلام و اینست که بنی گویند بای این است که انبیا من الله یعنی خبر من الله و بعضی گفته اند از نبوة و نبوات است
 که بعضی چیزیت که از زمین مرتفع است و معنی این است که بنی مرتفع و مشرف است بر سایر آفریدگان و فرق میان نبی
 در رسول این است که رسول آنجنس باشد که از خدای خبر میدهد بدون اینکه احدی از بشر واسطه باشد و او را نبی
 بتدایه باشد مثل آدم علیه السلام یا شریعتی باشد مثل محمد صلی الله علیه و آله و اینست که بنی در خواب چسبند و دعوت
 ملک را بشنوند و او را شنود و رسول صدای ملک را بشنود و در خواب چسبند و ملک را بشنود و اینست که کاهی می توان
 از ملک باشد لکن بنی از ملک نتواند بود و ممکن است معاینه نماید و حد و بنی چنانکه در حدیث وارد است یک صد

در پیغمبران پنج نوع

تفسیر در رسول

ملائکة

خاتمه کتاب

۱۲۰ صلی الله علیه وآله فرمود اولی کسی که بر روی زمین آمد بنیادهای حضرت آدم علیه السلام بود و مسیح پیغمبری از پیغمبران گذشته نبوده است چرا که او را وحی نبوده است و پیغمبران کیصد و میت و چهار هزار تن بوده اند پنجتن از ایشان

اولوالعزم بوده اند نوح و ابراهیم و موسی و عیسی و محمد صلوات الله علیهم و علی بن ابیطالب

سلام الله علیه نسبت به پیغمبر نبی است که با آدم است که وحی او بود

و وارث جمع او بسیار و گذشته گان و محمد صلی الله علیه وآله

وارث علم جمیع پیغمبران و مرسلان علیهم السلام بود

که کار فرود جل بشکر و پاس کرد روز شنبه و از دهم شهر محرم الحرام سال سی و چهارم میل سعادت تحویل یک هزار و سیصد و پنجاهم

هجری نبوی صلی الله علیه وآله جلداول این کتاب مستطاب که بر پانچ حالات شرافت آیات حضرت والی بادی حاضر و ولی

خداوند قاهر قادر امام محمد باقر علیه السلام و خلفا و اعیان معاصرین آنحضرت مشتمل است از حلیه انطباع زینت بخش قطعات

و سیمت و ثواب آن به دامت دولت و قوام سلطنت و نظام مملکت و سلامت ذات و صفوت صفات شاهنشاهی و جمیع

اسلام پناه دارا و مشکاه فاطون انبیا فریدین پیشگاه مالک رقاب انجم خلائق آب اکرم ملک الملوک عظم السلطان

منظر الدین پادشاه و الالباب خلد الله ملک و دولته الی یوم القرار و شادی روح در روان شاهنشاهی

شهبید سعید ساکن مسکن نعم ذوالقرنین عظم ناصر الدین شاه و نواب علیه عالیه متعالیه بروره منقوره محمد علیا

و شرکبری مشکوه السلطنه نور الله مرقد بها و عطر الله محمد بها عالیه و این کتب بنده پیشگاه خلائق پناه عبادت علی

و ذریه نالیفات و دارالشرایب کبری با تمام آن موفق گردید همان سال در ولایت عهد مبارک و از آن هنگام که بر توفیق

خداوند چون بر تخت هایون جلوس فرموده اند تا کنون که اوایل سال پنجم سلطنت سیمت آیت و نگاه تمام است

که برای مقاصد ملکی و مملکتی و اشارات دولتی و سلطنتی از دار اسخلاف طهران و طریق مملکت آذربایجان با کوب سعادت

و طابع سعود و آیات اقبال احرار محمود بملک روم و دول فرخندان طاقات سلاطین حشمت آیین چنانکه اشارت الله تعالی

و تبارک در تاریخ دولت علیه که بنکارش آن امر فرموده اند بسبب طامس طور میشود تشریف فرما شده اند اغلب اوقات

سبارک و در ترویج فنون علیه خصوصاً تاریخ و اخبار و اشارات الله اظهار علیهم السلام الله العاود القهار مصروف داین علی

خاندان و با نواع عواطف و اللطاف و اقسام ایقانات و انشازات دولتی و خلع فاخره و علامات با بهره و القاب

و عناوین جلیده منقوره میبایست و با تمام کتب تاریخ دولتی و طبع تشویق و تربیت فرموده اند کثیر روزی بر گذشته که فرق

میباشند این نظام از تقییل قبه علیه با وج ستموات نرسیده و بصنوف اکرام و احسان ظاهریه و باطنیه پادشاه حق پرست

دین دار هنر پرور بنده آثار بهره یاب و سزافراز بخورید و انت و اگر شمول اینگونه مراحم پادشاهی حصول نیافتی چگونه چنین

بنده و حیرت چنان خدمتی خیر ظهور یافتی و یکروز قبل از حرکت سوکب هایدون کتب غنی و دولتی را که هنوز در معرض انطباع

در نیامده از عرض لحاظ آنرا اعلی گذرانیده بر احم و اللطاف و تفقدات کمزرت انصاف بیرون از حسد و افتخار یافته

امر قدر نفاذ شرف صد دریافت که در تمام آن و انجام او امر مقدس خودیانه مساعی مشکوره بعمل آورده تا کما میسر

موکب اقدس اعلیٰ بهار اختلافه با بهره غزنولی از زانی فرمود بجلینه طبع محلی منتشر کرد و خداوند تعالی هر چه زود
 چشم امالی این مملکت را زیارت جلال بیبال موکب سلطنت اقبال مبارکش روشن و صغیر ایران ما ابد الهی
 مسود و مقود محمود و ذات کثیر البرکات بهایش آراسته کشن مردم این مکه استوار کافیه و قوانین آفیه کما زوزیر
 بی نظیر و فرزانه امیر صافی ضمیر جناب مستطاب اعلیٰ اشرف ارفع مجد و آفاق و نزدیک دستور شاهنشاهی آسمان
 امین المسمود سلطان معین الملکه و اسحاقان صدر اعظم پنجم دام ظلّه العالی بر فاه حال و فراغ بال منت
 عیش آسایش خیال مرزوق و این کسر بنده جان نثار را با بنجام او امر علیه خذت مرجعه و تمام کتب احوال سعادت ایشانی
 حضرات الهی تا حضرت خاتم الاوصیاء صلوات الله وسلامه علیهم که پیشیاد خاطر و آرزوی لاجان مای سعادت
 جهان است منتظر و موفق فرماید بلسنی الا لاطهار الابرار معلوم باد چنانکه کر در تور روز نامه های دولت علیه اعلام و اعلان
 شده خدی قبل تاریخ موسوم بتاریخ شجره که در زمان سلاطین صفویه انار آمد بر اینیم از زبان کی بغاری نقل و اسامی اجداد
 فخام نسبی اعظم اولیای کرام و سلاطین فوی المجد و الاحقاصم سعادت فوی القرو الاقوام را تا بهر کجا متصل میگردد به وضعی خاص
 مرقوم و اسامی آباء و اجداد سعادت نهاد سلاطین حجت آیین قاجاریه را بطریقی مخصوص طراری منصوص مسطور داشته
 و انعرض لمخاطب مبارک شاهنشاه اسلام پناه خداوند ملکه کشته و مقبول خاطر نثارهای یونی افتاده باین غلام خانزاد
 امر و مقرر فرمود که شجره نسیبارک را مرقوم و تاریخ وقایع ایام سلاطین جاریه شیده ابتداء کانتم از بدایت سلطنت ابد است
 تا کنون بسکلی تازه و وضعی جدید که مطابق منظوره نظر لامع النور است مسطور دارد و این بنده حقیر مدتی بس تسلیل دستیار
 نامه که از تاریخ منقول و سلاطین کتات غیر حاصل کرده رتبه نسیبارک آباء و اجداد امجاد شاهنشاه اسلام پناه دام سلطنت
 تا حضرت آدم صغی علیه السلام و مختصری از بیان حال ایشان رقم کرده انعرض نظر جایون لمخاطب حقایق مقرون بکند ایند و در شکار
 اعلیٰ بیار مستحسن دیده این غلام دولتمخواه را بطور مداح و لطاف خسروانی قصاصها و مستبار حاصل کرده شاهزادگان کهن
 که در جمله و چنین آن بچمن مبارک حضور داشتند حضوراً و غیراً با عرض کرده پادشاه جهان مالک ملک کیان را بر بدایت
 خاندان حجت ارکان این سلطنت آیت منها و عنایتهاست چه تا کنون از اسامی اجداد ما افزون ده و دوازده پشت
 مذکور شده و ازین پیش ازین چندین شرح حالی معلوم و مشهور نبوده در حقیقت اجداد سلطنت و شیکت را حیات تازه بنحیه نام و نشان
 زنده فرموده اند پادشاه قدر دان بخوباره و در بار این ہی بر مراتب لطاف اعطاف خسروی تصانیف میفرودند و در تمام این تاریخ جان
 تکیدت اکیده بفرموده چون شرح و بنحیه آیت این تاریخ مبارک مسطور است محض توجیه اطلاع و استحضار عموم علماء و اعیان و ارباب دولت علیه
 و هر صنف و هر طایفه و هر قیله در هر یک از قیلم بکارش این مختصر آیت نمود شرح حال خود و اجداد و احوال سعادت و آثار و احوال سعادت
 و زحمات و مجاری اوقات وجهه تحصیل تبارک و شنوات و مراتب و مقامات دولتی و علمی و کالات خود و خاندان و دستاورد از سر تولد
 و مولد و نشاء و مسکن و فن هر یک از ایشان را جزو بجز و موافق تاریخ و سنه و فرامین احکام و لواحق صحیح بنحیه شرح و زاید مرقوم و ارسال دارند
 تا بخواست خداوند تعالی در ضمن این تاریخ جدید در مقامات متعینه مسطور و خذت مشال و باقی مجموع بجای این مملکت معمول در رعایت

از کتابخانه کتبخانه
 حرم العبد حاجی میرزا محمد ضای متخلص بصفا و الملقب بسلطان الکتاب کتبخانه کتبخانه
 در شهر تبریز
 در روز ۱۰ ذی القعدة ۱۲۸۰
 در شهر تبریز

صفحہ	سطر	صفحہ	صحیح	صفحہ	سطر
۴۱	۹	۵۰	قوی ما	۲	صحیح
۵۱	۸	۶۳	سلام و رحمت	۱۸	تفصیر ان حضرت
۶۴	۲۴	۶۵	ربنا آت	۱۶	موتو بہ سہفتے
۶۷	۲۰	۶۷	زیر قیود	۲۲	زائد عشرہ
۶۸	۶	۷۳	نقضی میم	۱۸	البلغ رسول اللہ
۷۳	۲۷	۷۷	از نکاہ الیٰ تکذیب است	۲	مشہور سوال
۸۱	۷	۸۲	اللہم قنی عذیبک	۱	ہا ما عطا فرمودہ است
۸۲	۱۳	۸۶	قرائت توحیدی	۱۶	امام زین العابدین
۸۷	۴	۸۷	تیسینہ	۸	X
۸۹	۲۷	۹۰	پوشش ران	۲۰	اشہد علیٰ محمد و آلہ
۹۲	۱۲	۹۲	احاطہ معنی	۲۴	تو شتر و ذوق ابو اللہ
۹۵	۱	۹۶	گفت نزد سعید	۲۵	وہ از علاج شائد است
۱۰۶	۱۵	۱۱۳	خَرْنَا وَ بَلَّغْنَا	۲۶	ہجر برنی بمعرض
۱۱۸	۱۸	۱۲۳	فِاطِمَةُ الْبَلَدِ	۲۲	محمینا و کتنا
۱۲۷	۸	۱۳۲	مرحومہ مالہ	۲۷	و نذر پاشد
۱۳۴	۲۱	۱۳۶	پرسش نکند	۱۰	عزیز تر باشید
۱۴۱	۲۲	۱۴۲	دو گفت تظہر	۲۵	و با توافق جویم
۱۴۴	۲۴	۱۴۹	ابن زبیر	۲۵	بالا لحاظ مقتدرات
۱۵۱	۱۰	۱۵۴	مفتوح نمود	۲۰	سفر ما بہ ابی بنی
۱۵۲	۱۳	۱۵۹	فحولہ بعد	۲۴	شکر سخته
۱۷۱	۹	۱۷۲	کہ این حدیث	۲	بانام زرسیدہ بود
۱۷۵	۲۲	۱۷۵	از پیش رسید	۲	بدر بار و رسید
۱۷۶	۵	۱۷۸	برافرو آورد	۲۲	مسطر است کہ
۱۷۷	۲۰	۱۷۷	لَمَّا رَأَى مَا	۲۱	احوال احمد شاعر
۱۸۳	۱۱	۱۸۳	چشمی کا بود	۱۷	از کنایت الیٰ ندیدہ زیادہ است
۱۸۵	۶	۱۸۵	نور اسرار	۲۴	دختر شاعر
					تغنی کند

صحیح	صفحہ	صفحہ	صحیح	صفحہ	صفحہ
صحیح	۳۹۲	۱۹۵	حسن بن حسن بن علی	۱۴	۱۹۱
بیکنیم دیشویم	۴	۲۰۷	گداور اغدار میخو اذند	۱۷	۲۰۲
وگفتست با بد بیخ	۴	۲۱۲	دسکم برود	۱۵	۲۱۱
دلکش وارد پس	۲۵	۲۱۵	سلت من اعقاد	۲۱	۲۱۳
عدتی بن رفاع	۲۰	۲۲۰	پس عدتی بن رفاع	۱۱	۲۱۷
این شعرش را ام	۱۳	۲۲۲	با ابن ابی ربیعہ گفت	۲۶	۲۲۰
وجمال بن ابی ربیعہ	۲۵	۲۲۲	ابن ابی ربیعہ سخت	۲۳	۲۲۲
میردن رود	۲۶	۲۳۷	ام محمد بن سناد	۲	۲۳۰
میفرستاد از وحشت	۲۴	۲۴۲	برکشود و بکریست	۵	۲۴۲
ای خال تو کیستی	۱۶	۲۴۳	در ضج و فرج شد	۵	۲۴۳
بیدر آن خلفاء	۱۸	۲۴۷	و آثار الا اول	۱۶	۲۴۷
مخبر گفتن	۱۴	۲۴۸	باششم و پیم	۱۹	۲۴۷
تذکیر حنی و ما بینک	۱۴	۲۵۰	تغییر قتیہ بکسر	۱۱	۲۵۰
یوسف و قتیہ	۵	۲۵۵	برنجیدند و نژد	۱۰	۲۵۴
آموزگاری ششم بودم	۲۵	۲۵۵	دعش از بسیار	۲۰	۲۵۵
مردم ازد بودند	۲۴	۲۵۶	علوان را امارت	۱۳	۲۵۶
باتو باطاعت سلیمان	۲۵	۲۵۶	هر کس را ادب امیری	۲۵	۲۵۶
تو امارتشان را اجابت	۶	۲۵۹	شبهها	۲	۲۵۷
قتیہ را کردند	۱۱	۲۶۱	فروشنده بردار ز نم	۲۴	۲۵۹
رجاد بن جوہ	در حاشیہ	۲۶۴	عرض میکنند	۴	۲۶۳
باکاف فارسی	۱۶	۲۶۷	با پدرش موسی	۱	۲۶۵
بذکران کشد	۱۴	۲۶۸	با عادیہ	۸	۲۶۸
ولید این حکم	۲۱	۲۶۹	بر بند زوروان	۱	۲۶۹
بر پریشانت	۱۲	۲۷۲	برادش لوبلد	۱۲	۲۷۲
ولوبلد چنانکس	۲۷	۲۷۶	خون غیرت	۶	۲۷۶
نسل بفرودند	۱۸	۲۸۲	آین و حرکات	۱۹	۲۸۱
دینہ مانده					

صفحہ	طر	صحیح	صفحہ	طر	صفحہ
۲۸۴	۱۵	ارز قد حصاء	۲۹۱	۲۱	صحیح صحیح سوی بن یباید آمدن
۲۹۲	۲۷	متعرض کرکان	۳۰۳	۱۴	کمرای در زمین است
۳۰۸	۲۲	با آن جلا منزل	۳۱۱	۱۵	طاهر سبب ساخته
۳۱۵	۳	بجو عبس احوال	۳۱۴	۷	اجسم حکم کرد
۳۱۸	۲۷	بجو بند با اخوت	۳۲۰	۱	آن فرزند و لبند
۳۲۰	۱۵	رجاء گفت	۳۲۲	۳	جواب دید
۳۲۲	۱۰	متابعت نکوی	۳۲۴	۱۹	بیز جان رسد
۳۲۸	۱	فداد داد	۳۲۹	۴۱	بانگت رعادت
۳۳۳	۴	جای داشت دشمنی	۳۳۳	۲۰	درین بلد جز نو
۳۳۴	۶	باشکهای احمر	۳۳۷	۱۰	پہا ندوہ در نصب
۳۳۷	۲۴	گفتای ابو زید	۳۳۹	۱۳	از اثر او از نو
۳۴۰	۹	عبس خطا کرد	۳۴۰	۱۸	بدو سفدم
۳۴۳	۱۰	پرسیمان بن	۳۴۳	۱۴	خز بنقبی است
۳۴۴	۵	برسطی ارضی	۳۴۵	۸	پوشیدہ و میداشت
۳۴۶	۶	صوت خداداد	۳۴۷	۲	برکت صوت
۳۴۷	۵	شرط طار	۳۴۹	۵	و با قدر و مقامات
۳۴۹	۲	و مخطوط ساختی	۳۵۰	۲۴	این مردم فوج تری
۳۵۱	۶	پس جبر بر بدستوی	۳۵۴	۱۰	طلاق کو بیم
۳۵۹	۱۸	بدو کرایان	۳۶۱	۲۷	از خراسان
۳۶۵	۴	از بسار قبہ	۳۶۵	۵	کہ بعد از آبستن
۳۶۵	۲۴	باورین کو بند	۳۶۹	۲۱	خوش میندیشید
۳۸۱	۱۱	کس یکدیگر با	۳۸۱	۱۳	برکار نشوید
۳۸۱	۱۲	راه گفتار ند	۳۸۲	۲۰	و اذا اللذ
۳۸۴	۱۵	پانجا انتقال	۳۸۷	۱۳	ای عباس
۳۸۸	۱۳	یزدان طیل	۳۸۸	۳۱	پس دیل و دای
۳۹۱	۱۳	سخن بزدان را	۳۹۹	۱۰	کر یان دیشد

صفحه	سطر	صحیح	صفحه	سطر	صحیح
۴۰۰	۴	سبح و بزم نباشد	۴۰۰	۱۲	صحیح
۴۰۲	۱۲	ترا میسنکرم	۴۰۶	۲	واگر منبیدانی
۴۰۷	۱۷	جز این ندان	۴۱۱	۶	بسو کنندی دروغ
۴۱۲	۲۶	عبدالله بیجلی	۴۱۳	۱۰	بانامه بسوی او
۴۱۶	۲۲	عبدالله عمر بن	۴۱۸	۵	بزیدر انجیس
۴۱۸	۱۲	کسی را بر جرجان	۴۱۸	۲۲	روزگار میکند اند
۴۱۹	۸	بجای نمادنی	۴۱۹	۱۷	عبدالرحمن قشیری
۴۲۳	۱۱	والی افریقیه	۴۲۴	۱۷	ادای زکوة
۴۳۱	۱۵	الالااجد	۴۲۲	۸	سین و معاون
۴۳۲	۲۵	و همیشه با خدای	۴۲۳	۱۷	و در آن چیز که آمده میشود از
۴۳۵	۱۸	خداوند و در و نائل	۴۳۵	۲۵	هر کس که جانی دارد
۴۳۸	۱۱	ز جهانان و معتران	۴۴۰	۱۶	و جنبنده در زمین
۴۴۱	۱۸	ملائکه مقررین	۴۴۵	۱۴	ارزشان خوشنود گشت
۴۴۵	۱۷	وراشد مستند	۴۴۶	۱۷	و سبب شیخ و عبادت
۴۴۸	۵	کانت علیه قفا	۴۴۹	۵	بر حکم خود نگران
۴۴۹	۵	و سخنان خود را	۴۴۹	۱۵	زیرا که گنا هت
۴۵۰	۲۴	دلمکه و فضل	۴۵۲	۶	از بیمه مستور است
۴۵۸	۳	از ان یا شامه	۴۶۱	۲	رحمت کند خدای
۴۶۱	۹	چنین نگرده است	۴۶۷	۱۵	عبادت میکنند
۴۶۸	۲۷	نامبر تور سعده قاضی را	۴۷۱	۲۷	روزی همین سپهر
۴۷۳	۱۹	امثال تو از اعمال او	۴۷۳	۲۶	باج و خراج
۴۷۴	۱۸	عمل یک سال آنکه	۴۷۶	۱۸	هر کس از ذریه با قاست
۴۷۷	۸	پیشش کنند	۴۷۷	۱۶	نوبت تو فرارسد
۴۷۹	۲۴	از هری گوید	۴۸۳	۲۱	برای خبیثت تو
۴۸۵	۱۳	زوجه عمر شدم و این	۴۸۸	۲۶	یاد کنند و اگر
۴۸۹	۱	نفرتس با به	۴۸۹	۱	و حسرت شود

صفحه	سطر	صحیح	صفحه	سطر	صحیح
۴۸۹	۷	مشوب باخزان	۴۸۹	۱۰	منقش و انسان
۴۹۰	۹	گفتند ما منتیم	۴۹۰	۱۷	و سخت تر بود
۴۹۱	۷	صبح کسبید	۴۹۲	۸	و محاورت و انایان
۴۹۳	۱۰	و حق را اصل	۴۹۱	۴	گفت از خدمت
۵۱۴	۲۵	و را و بقل کل	۵۱۵	۳	این قوه اکل است
۵۱۵	۸	نام کسبند	۵۱۵	۱۰	آتشکار کرد
۵۱۵	۱۱	پاره اشارت	۵۱۶	۱۱	که از بود تر
۵۱۷	۲۰	پرد روی عرض	۵۱۸	۲	رقب نمود یافته اند
۵۱۹	۱۱	گاهی مردی برای	۵۲۱	۱۹	و بعد ما در پیش پرید
۵۲۷	۲	اهل شام بودند	۵۲۷	۱۷	سبح زدن کسبید
۵۲۹	۱۵	امیدوار نیستند	۵۳۳	۱۳	بطرف و منظوف
۵۴۰	۸	چشم مفضل تپاه شده	۵۴۶	۲۳	باید باز ستاند
۵۴۱	۲۵	بفرمود حاضرش کردند	۵۵۱	۲۰	بیدین مستب بزید عبد الملک ^{خلع}
۵۶۲	۹	سَفَفْنَا لَهُ	۵۶۲	۱۶	سبح منب انیم
۵۶۳	۲۵	که ما در این شخص	۵۶۴	۸	سلام الله علیها
۵۶۵	۲۱	بل مستوی	۵۶۸	۹	فیها مشروها م
۵۷۲	۱۸	خلال عافیتک	۵۷۳	۲	والامل مثل
۵۷۴	۵	راهها و راه پناه	۵۷۷	۱۶	سید خذینه
۵۷۸	۱۲ و ۱	سید خذینه	۵۷۸	۲۳	پرداختن
۵۸۲	۷	در مرآة الجمان باضی	۵۸۳	۱۳	ادب و فرنگت را
۵۸۴	۱	عالمین ابی موسی	۵۸۹	۴	بمیزند و می آشامند
۵۹۱	۱۹	سمنه عظیم	۵۹۳	۱۷	از آب عذب
۵۹۴	۲ و ۳ و ۵	بجای سودا و صفراء	۵۹۷	۲	آبی با اندازه
۶۰۰	۲۲	ارض کسب الله	۶۰۳	۱۵	اما انذا القرین
۶۰۴	۱۶	عرض کسبند	۶۰۷	۵	یعنی سید در باراده
۶۰۷	۱۱	استعدادی رود	۶۰۷	۱۹	خصوصا از طرف

تجیم عظام
۱۸
۵۷۲
۴

صفحہ	سطر	صحیح	صفحہ	سطر	صحیح
۶۰۸	۲۱	شہد و انسانی است	۶۱۰	۱	صحیح
۶۱۰	۴	در صحیح میکوبہ	۶۱۱	۲۷	حتی بنو ممانک
۶۱۲	۱۴	استراحت بنو ناند	۶۱۵	۲۵	و خون او بر بخت
۶۲۰	۱	الحسن بن علی	۶۲۳	۲۰	من غیر خیر مسبق
۶۲۵	۲	فلا تؤذ المؤمن	۶۲۵	۱۷	خوشنودی خویش
۶۲۵	۲۲	مرویت قال ان العباد	۶۳۰	۳	ولایت بنی اہل بیت
۶۳۱	۱۴	و عبادت خویش	۶۳۴	۱۰	کہ سلام مال
۶۳۷	۷	عبدالملک ابانا	۶۳۷	۱۲	منک تریفی
۶۳۸	۷	و زید پرشش و مردن	۶۳۸	۲۰	معاہلت جوید
۶۳۸	۲۱	کہ آیا سلام	۶۴۱	۵	سے کند با خدا مرکز
۶۴۱	۱	آنها بگذارند	۶۴۲	۱۱	او بود بشنید
۶۴۵	۲۰	و عودهای خویش	۶۴۵	۲۷	و زمان کار نزد بکت
۶۴۷	۱۱	بیچار جان	۶۵۲	۱۹	صفرا برآمدہ
۶۵۷	۲	یزید بکت	۶۵۹	۲	دیدار ام جعفر
۶۶۵	۱	آن حوراء را با سماں	۶۶۵	۲۳	بروانی از جہان
۶۶۶	۲	و امین بماندی	۶۷۱	۴	قبل از ترویہ
۶۷۱	۱۲	محبوب داشت	۶۷۱	۱۲	حصین بن ابیجر
۶۷۲	۷	عبدان بن عبدالم	۶۷۲	۲۰	مزیقیان
۶۷۳	۲۷	امام عیادت ادب	۶۷۵	۴	دلگدای سینه اش
۶۷۷	۲۳	بستر کن منجر	۶۸۲	۱۵	کہ ہی از مدینہ کہ نام دینہ
۶۸۳	۱۰	می میم گفت با ابیجر	۶۸۳	۱۱	ضدایت زندہ ندارد
۶۸۴	۱۴	بسان بیاملا	۶۸۷	۱۲	کہ از ارضی بلخ است
۶۸۷	۱۷	عمرو بن مسلم بر در	۶۹۹	۳	نہاد و دیگری چاہ سالہا
۶۹۹	۲۷	دانا تر باشد از تو با پنج	۷۰۷	۳	میشود کہ حضرت صادق
۷۰۸	۱۰	و یا قوم او فوالکمال	۷۰۹	۱۹	فرمود از عبد الملک کزندی
۷۱۲	۱۴	تو خود رنجور میشدی	۷۱۲	۱۷	وفات او را در سال

